

طه حسین مایل است همان نقشی که دکارت در سنت فلسفی غرب ایفا نمود را در سنت اسلامی بازآفرینی کند و بنیان‌گذار نوعی فهم مدرن و فلسفی از سنت اسلامی و عربی باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر یادداشتی از محمدجواد خلیلی دانش آموخته حوزه علمیه قم دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگر اندیشه سیاسی اسلامی و جهان عرب در مورد طه حسین است که در ادامه می خوانید؛

زندگی و تګون فکری طه حسین

سال ۱۹۱۹ با نمره ممتاز، رساله دکتری دوم خود را دفاع نمود و به مصر بازگشت که خیلی سریع به عنوان استاد تاریخ یونانی و رومی و فعال شد. او بارها به عنوان رئیس دانشکده ادبیات و نیز رئیس دانشگاه اسکندریه منصوب شد.

همچنین بارها در کسوت استادی دانشکده ادبیات عرب، مشغول تدریس شد و به عنوان، مستشار عالی وزارت علوم و معارف مصر نیز منصوب گردید.

طه حسین در سال ۱۹۴۴ بازنشسته شد اما از تلاش علمی و کوشش برای تربیت شاگردان و نیز انتشار آثار علمی و ارزشمند باز نایستاد. اگر سمت و کارهای علمی و اجرایی که او بعد از بازنشستگی در آنها انجام وظیفه نمود را گرد آوریم تبدیل به لیستی بلند بالا می شود که از حضور در کمیسیون مشترک ادبی ایتالیا و سوئیس تا فعالیت در کمیته مشترک علمی و ادبی مصر و هند در لیست به چشم خواهد آمد. او دو بار از سوی دولت مصر برای کسب جایزه نوبل کاندید شد و در سال ۱۹۷۱ از طرف یونسکو کنفرانس گرامیداشتی برای وی در اروگوئه برگزار شد که شاید در تاریخ یونسکو بی نظیر باشد. طه حسین اکتبر ۱۹۷۳ بدرود حیات گفت.

تالیفات و آثار

مجموعه تالیفات طه حسین بیش از پنجاه جلد شامل ادبیات داستانی تصحیح برخی آثار ادبی و نیز نگارش کتاب و مقالات علمی و پژوهشی است. مقالات علمی و پژوهشی او در معتبرترین مجلات مصر و دیگر کشورهای عربی منتشر نمود و همچنین بسیاری از کتاب و نمایشنامه ها را نیز ترجمه نمود [۱]. جان مایه میراث مکتوب طه حسین را می توان در سه محور اساسی معرفی نمود. او سعی کرده است پیرامون الف: تاریخ ادبیات و نوآوری و ب: سنت اسلامی و ج: نقد اجتماعی و فرهنگی قلم فرسایی کند و پروژه ای سه گانه را در عرصه فکری مصر به پیش برد.

در محور نخست، در پی به کارگیری روش های مدرن تحلیل تاریخی است تا با کمک آنها میراث اسلامی و بازخوانی کند. این متدولوژی عموماً در خوانش سنت یهودی و مسیحی به کار گرفته شده بود و طه حسین تمایل داشت که پروژه اش تکرار تجربه عصر روشنگری در میراث اسلامی باشد.

در محور دوم وی می خواست نظام آموزشی را به گونه ای متحول سازد که خروجی سیستم، دانشورانی باشند که مدرنیته مصری را پی و ریزی نمایند.

در محور سوم او برجسته سازی برخی سبک های ادبی و نیز متون سنتی را دنبال می کرد تا طلیعه داران روشنگری و مدرنیته در عرصه اجتماع و فرهنگ فاقد پشتوانه نظری و ادبی نباشند. تولید ادبیات متناسب با الزامات مدرنیته و بنا نهادن روش و های انتقادی از اولویت های این مرحله بود.

پژوهشگری که خواهان مشاهده محور نخست پروژه طه حسین است باید کتاب پیرامون شعر جاهلی را جستجو کند. این کتاب در سال ۱۹۲۶ منتشر شد و مجادلات بسیاری را سبب شد تا آنجا که کار به دادگاه و برخی ادعاها در خصوص نسبت دادن کذب به انبیا نیز رسید. وی در این اثر می کوشد با ابزار نقد ادبی مدرن، سنت ادبی عربی اسلامی را واکاوی کند. پیرامون شعر جاهلی، یک اثر انتقادی که محصول برخورد ذهن نقاد طه حسین و متنی از گذشته با مدد روش دکارت است.

او بسیار استادانه روش رنه دکارت فیلسوف فرانسوی را به خدمت می گیرد هر چند با سنت فلسفه اجتماعی فرانسه آشنا بوده و شاگردی کسانی هم چون دورکهم را در پرونده دارد اما ترجیح می دهد روش شک محور دکارت را به کارگیرد. زیرا دکارت به درستی حلقه وصل سده های میانه و مدرنیته است و همواره بر عدول خود از روش های متداول در سنت فلسفی قدیم اصرار دارد و فاعل شناسا را محور دانسته و متدولوژی علمی و راه یافته از علوم تجربی را ارج می نهد.

طه حسین مایل است همان نقشی که دکارت در سنت فلسفی غرب ایفا نمود را در سنت اسلامی و بازآفرینی کند و بنیان و گذار نوعی فهم مدرن و فلسفی از سنت اسلامی و عربی باشد و پایه های مدرنیته را از نظر تئوریک غنا و قوام بخشد. اما واکنش و ها به پروژه او آن قدر طوفان برانگیخته بود که او قانع شد تا در نقشه کلی راه تجدید نظر کند و با در نظر داشتن جوهر مدرنیته، اسب روش و های مدرن را بر میراث ادبی و فکری عربی آرام و تر براند.

پیرامون محور دوم کلان پروژه طه حسین، باید به کتاب مستقبل الثقافة فی مصر [۲] نظر افکند. این اثر که سال ۱۹۳۷ منتشر شد در پی طراحی برای مدل مدرنیزاسیون کشور به ویژه حوزه تعلیم، تربیت و فرهنگ است. نقشه وی یک

بسته کامل بود که می‌توان گفت از یک طرف کلیه جریان‌ها؛ و از سوی دیگر آنها را در می‌نورد.

جریان لیبرالی که از اوایل قرن نوزدهم شکل گرفته بود و در حوزه سیاست، حزب الوفد آنرا نمایندگی می‌کرد و نیز جریان اصلاح دینی متمایل به لیبرال‌ها که علی عبد الرزاق صاحب کتاب مشهور الاسلام و اصول الحكم، چهره بارز آن بود و همچنین بخش فلسفی جریان نوگرا که احمد لطفی السید و مصطفی عبدالرازق نمایندگانش بودند، همگی تحت تاثیر قرار گرفتند.

طه حسین هر چند به این اشخاص و جریان‌ها نزدیک بود اما علیرغم برخی اشتراکات مهم، پروژه‌ها؛ و به خصوص مصری را به گونه‌ای در فرایند تمدنی اروپایی وارد کند که به تمام قد از نظر فلسفی و تاریخی با کاروان غرب همراه و هم آوا شود. سپس بعد از گذر از این مرحله، اسلام را به مثابه یک دین و فرهنگ، لباس مدرنیته بپوشاند و به عنوان یک عنصر جدید با کاروان معرفتی غرب همراه کند.

آخرین محور این پروژه را باید در اسلامیات او هم چون کتاب الفتنه الکبری [۲] و مرات الاسلام [۴] جستجو نمود. او با کمک گرفتن از داستان‌ها؛ و در متون کهن وجود دارد، فارغ از آنکه به صحت و سقم اصل واقعه بپردازد، ارزش‌های انسانی را برجسته و توضیح می‌دهد. او بدون توجه به اینکه از نظر متن و یا اسناد درون دینی، یک واقعه چه مقدار صحت تاریخی دارد به ارایه تحلیلی انسانی از آن حوادث مبادرت ورزید. او غنای ادبیات داستانی و نیز بازسازی و پردازش ارزش‌های اخلاقی مد نظر خود مانند تساهل و تسامح را از طریق بازنویسی و بازخوانی حوادث و اسطوره‌ها؛ و از طریق بازخوانی دنیال نمود.

زمینه و زمانه

دورانی که طه حسین در آن می‌زیست، عصر پرتلاطم بعد از فروپاشی عثمانی و اوج رویارویی جهان اسلام با مساله مدرنیته و عقب ماندگی است. مصر با حمله ناپلئون بناپارت و حضور مستشرقان اروپایی به ویژه فرانسوی با لایه‌های از فرهنگ غربی آشنا شده بود. برخی بر این باورند که تلاش‌های بعدی جهان عرب برای فهم ماهیت مدرنیته، خصوصاً مصری‌ها؛ و ماهیت فرهنگی دارد.

از دیگر سو ظهور و بروز جریانهای مختلف فکری در دوران معاصر در بستر سیاست تحقق یافته است. جریان‌ها؛ خواهان استقلال سیاسی در کشورهای مهم عربی هم چون عراق و مصر، عمدتاً دارای خواستگاه مدرن هستند. مفاهیمی؛ هم چون آزادی و استقلال در بستر تفکرات مدرن متولد شدند. یکی از مهم‌ترین احزاب فعال در عرصه استقلال سیاسی در مصر حزب الوفد می‌باشد که دارای گرایش‌ها؛ و پان‌عربیستی بود.

طه حسین به بزرگان این جریان بسیار نزدیک بود و آثار او به فربه شدن عقبه تئوریک این جریان و گروه‌ها؛ همسو بسیار مدد رساند. اصول و مفاهیمی؛ هم چون آزادی، ملیت، جدایی دین از سیاست و نظام دموکراتیک حکومتی، رسماً توسط حزب الوفد اعلام شده و خود را به آن ملتزم می‌دانست. در فضای فروپاشی خلافت و تلاش برای استقلال و مبارزه با وجوه استعماری حکومت‌ها؛ و موجود عربی این دست افکار بسیار مترقی و دلربا محسوب می‌گردد.

طه حسین به عنوان یک نویسنده و ادیب روشنفکر تمام این تلاش‌ها را وابسته به پذیرش مبانی مدرنیته می‌دانست. استقلال برای طه حسین مهم است اما آن‌ها؛ و هدف نهایی نمی‌داند بلکه وسیله ایست که باید مدنیت و تغییر زیست جهان مصری را در پی‌داشت.

اروپا از نظر طه حسین تجسم تمدن بشری، ارزش‌های انسانی و دموکراسی است. باور داشت که غرب توانسته است خود را پیشتاز کاروان سعادت بشری سازد که مرهون عقلانیت و روح علمی‌ها؛ و حاکم بر این تمدن است. تمدن جدید یعنی غرب و غرب یعنی جهان جدیدی که مصر باید جزیی از آن باشد. او با هرگونه غیریت سازی در مقابل تمدن غربی مخالف بود و هر تلاشی که منجر به شکل‌گیری تمدنی مصری در مقابل تمدن غربی باشد را پروژه‌ها؛ شکست خورده می‌دانست و معتقد بود، تنها راه موفقیت، قرار گرفتن کامل مصر در مدار تمدن و جهان جدید است.

وی برای تحقق این آرزوی بزرگ نقشه ای کامل طراحی کرده بود. اولین قدم برای طی طریق، شناخت تاریخ و آموختن از گذشته است. مصری باید بداند که او در گذشته نیز غربی بوده و هرگز در منظومه معرفتی شرقی تعریف نمی‌شده است. این اظهار نظر متعلق به زمانی است که دوگانه شرق و غرب در تحلیل تاریخ تمدن پذیرفته شده بود. کتاب الشرق و الغرب احمد امین که ده سال بعد منتشر می‌شود، گواهی بر این مدعاست.

در این دوگانه شرق مظهر ادیان و مسائل روحانی و معنوی و غرب سمبل عقلانیت علمی و ابزاری است. طه حسین می‌گوید من (الانا) و هویت مصر اساساً غربی است و ملاک در این تقسیم، جغرافیا و موقعیت مکانی نیست، بلکه هویت مصری همیشه متأثر از روم باستان و غرب بوده است. در این دوگانه هر چه دیگر کشورهای عربی از فرهنگ و عرفان هند و ادیان شرقی متأثرند، مصر از نظر طه حسین مقهور روابط عمیق تاریخی، جغرافیایی و هویتی غربی است و نمی‌توان آن را در شرق دسته بندی کرد.

فهم این نکته تاریخی و اندماج کامل در غرب و جزیی از غرب شدن، تنها راه رسیدن به کمال است. او تاریخ مصر را متکون در بطن تاریخ یونان و روم می‌داند و برای این مهم، به ارایه شواهد تاریخی از متون باستانی اقدام می‌کند.

اما یک سوال باقی می‌ماند که چرا پروسه تکامل مصر متوقف و دچار انحطاط شد و همپای تمدن بشری پیشرفت نکرد. در آن دوران یک پاسخ کلیشه‌ای به این سوال کلیدی داده می‌شد. کلیه جریان‌هایی که به نحوی غربگرا محسوب می‌شدند، عمده دلیل عقب ماندگی را به سیطره عثمانی و انحطاط خلافت نسبت می‌دهند. وی نیز دلیل عقب ماندن از کاروان پیشرفت و اروپایزه نشدن مصر را دولت عثمانی می‌داند.

طه حسین بعد از انتشار کتاب پیرامون شعر جاهلی و بازخوردی که از جامعه دریافت کرد، در مورد اسلام و نقش دین در عقب ماندگی بسیار با احتیاط سخن می‌گفت و همواره از ورود به این عرصه پرهیز می‌نمود. او دوران سیطره خلافت بر مصر را به دوران سیطره کلیسا قبل از عصر روشنگری تشبیه می‌کند و بر این باور است که خسارت این سیطره به مراتب کمتر و دورانش کوتاه‌تر است.

از نظر وی اسلام، توانست دو تمدن ایرانی و رومی را اسلامیزه کند لذا اکنون مصر می‌تواند تمدن غربی را کاملاً بپذیرد بدون آنکه دین درون این تمدن یعنی مسیحیت را قبول کند. او دین را بسیار شخصی و محدود می‌داند و خواهان جدایی نهاد دین و دولت و عدم دخالت دین در حوزه تقنین است به این جهت بر عناصر هویتی، فرهنگی و تاریخی اسلام تأکید دارد.

در آستانه قرن بیستم، جوامع اسلامی را ایمان دردناکی داشتند و از پس آن موجودی عظیم الجثه و با ابهت، فرزندان خرد و کلانی را به دنیا آورد و کشورهای عربی بعد از عثمانی پا به عرصه سیاسی گذاشتند. در قاموس مفاهیم آن دوران، امت عبارت بود از گروه مسلمانی که به یک کیش و آیین واحدی باور دارند. امت یعنی گروه مسلمانان که خلافت، نماینده رسمی و عینی آن بود.

بعد از فروپاشی، برخی بر احیا خلافت اصرار ورزیدند و برخی بر گذر از آن اما هر دو گروه به پشتوانه نظری و ساخته و پرداخته کردن مفاهیم مختلف نیاز داشتند. دنیای مدرن، مفهوم ملت و ملیت را به ارمغان آورده بود و این بره‌هاضمه جهان اسلام سنگینی می‌کرد. طه حسین واژه امت در زبان عربی را به گونه‌ای دیگر بازسازی نمود. امت برای او معنایی جز مصر و مصری بودن و تعلق خاطر به مساحت جغرافیایی مصر، فارغ از هر دین و مذهبی نداشت.

سرزمین واحد و عشق ورزیدن به آن، ملاک شهروندی است و همه شهروندان با هم در حقوق و مزایا برابرند. او خواهان وحدت و یکپارچگی مصر برای زیست مسیحی‌ها و مسلمانان بود. دین نیز از بعد فرهنگی و کارکرد اجتماعی، آن مقدار که برای این وحدت می‌کوشید ارج می‌یافت. ارزش اجتماعی اسلام در توانایی ساختن احساس ملی مشترک است. نظام آموزشی وظیفه دارد این احساس مشترک را نهادینه کند و مبانی میهن پرستی را توسعه دهد.

شاید بتوان گفت برخورد طه حسین با دین دو سویه است. از طرفی مخالف حضور دین به عنوان منبع قانونگذاری است و دنیای مدرن و عقل ابزاری را نقطه عزیمت برای تقنین می‌داند. اما از دیگر سو، سعی در ارایه خوانشی مدرن از سنت دینی است. او در تالیفات پرشمار خود اقدام به بازخوانی تاریخ اسلام نموده و سعی در نمایش تصویری مدرن از تاریخ است تا طبقه روشنفکر و تحصیل کرده مصری را خوش آید. به عنوان نمونه او از پیامبر یک قهرمان داستانی در

معنای مدرن آن می‌&znj; سازد و عثمان را سمبلی برای ضعف نوع بشر معرفی می‌&znj; کند.

با قرائتی کلان از تاریخ اسلام کلیت آن را نزاع فضیلت و خیر با عالم شر روایت می‌&znj; کند. در کتاب الفتنه الکبری او مسلمانان نخستین را هم چون انقلابیون عدالت خواهی تصویر می‌&znj; کند که می‌&znj; خواهند راه سومی‌&znj; بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم را بپیمایند. او بر جنبه‌&znj; های احساسی و عاطفی و معنوی دین تاکید می‌&znj; کند و مایل نیست مفهوم امت و یا ملت بر اساس دین ساخته شود و دین را در این رهگذر ناتوان می‌&znj; یابد.

طه حسین زبان عربی را یکی از ارکان هویت می‌&znj; داند که بهترین میراث گذشتگان، برای مصر نوین است. او به خلاف اسلام‌&znj; گرایان که زبان عربی را به‌&znj; عنوان ابزاری برای تبلیغ دین و زبان اسلام می‌&znj; دانند آنرا صرفا عامل مشترک مبارکی می‌&znj; داند که می‌&znj; تواند مانند ملاتی مرغوب، جامعه مصری را هویت واحدی بخشد. زبان عربی بود که توانست در دوران ترکان عثمانی هویت و فرهنگ مصر را حفظ کند.

جمع بندی

شکوفایی طه حسین در کوران آشنایی جوامع مسلمان با مفهوم روشنگری و عقلانیت بود و این تکاپو شرایط خاصی را بر جامعه فرهنگی مصری حاکم نمود. او تفکری را نمایندگی می‌&znj; کرد که خواهان حضور مفهوم روشنگری (تنویر) در بطن تحولات فرهنگی جهان عرب بود. گویی بعد از قرن‌&znj; ها به تازگی مصر و جهان اسلام، وارد عصر روشنگری و رنسانس شده‌&znj; اند و باید اندیشمندانی تنویر و یا روشنگری را معنا کنند و از برای حدود و ثغورش طرحی نو دراندازند. طه حسین از پیشگامان پرداختن به این مفهوم در جهان عرب است.

او در برخی وجوه، بسیار به کسانی مانند تقی زاده و کسروی در تاریخ ایران شبیه است. وی نمی‌&znj; خواست مصر راه دیگری را برای پیشرفت طی کند و یا باور نداشت که امکان دارد راهی به جز مسیر غرب وجود داشته باشد. طه حسین و همفکرانش، بنیانگذاران تجدد در جهان عرب هستند که با حضور آنان چرخ‌&znj; های مارکسیست، لیبرالیسم و پان عربیسم به گردش درآمد.

آنان یک درد مشترک داشتند که چرا غرب پیش رفت و ما بازماندیم. اما پاسخ‌&znj; ها مبتنی بر دانشی بود که از مغرب زمین آمده و کاملا طبیعی است به پاسخی دست یابند که مبتنی بر اندیشه‌&znj; های غربی باشد. علیرغم آنکه در مغرب زمین دو نحله چپ و راست و یا مارکسیسم و لیبرالیسم در تقابل بودند اما در مصر و دیگر کشورهای عربی اسلامی‌&znj; در کنار هم به عنوان پاسخ به پرسش عقب ماندگی مطرح می‌&znj; شدند. در جامعه مصر، اسلام‌&znj; گرایان نیز در پاسخ گویی به پرسش عقب ماندگی از نظر تنویر و عملی توفیقی نداشتند.

از اوایل قرن بیستم تا کنون که این دو طیف از احزاب اسلام‌&znj; گرا و غرب‌&znj; گرا با تمام تنوعی که دارند، نتوانستند پاسخی در خور دهند. تاکنون هیچ حزب و نحله‌&znj; ای نتوانسته است، جوامع بحران‌&znj; زده خاورمیانه را به سلامت از نزاع سنت مدرنیته عبور دهد. بسیاری از بحران‌&znj; های پیشین و کنونی خاورمیانه، در فقر تنویریک این جوامع ریشه دارد. همفکران طه حسین در برهه‌&znj; ای قدرت یافتند اما نتوانستند این کشتی طوفان زده را به ساحل نجات رهنمون شوند.

تجربه حکومت‌&znj; هایی هم چون جمال عبدالناصر، سادات و حسنی مبارک که گرایش‌&znj; های غربی داشتند نه تنها به توسعه یافتگی و حل شکاف‌&znj; های اجتماعی ختم نشد بلکه با گذر از استبداد پادشاهی سنتی به استبداد مدرن و جمهوری‌&znj; های پلیسی مادام العمر تغییر ظاهر داد. احزاب اسلام‌&znj; گرا نیز بعد از سال‌&znj; ها حضور در حاشیه قدرت، علیرغم داشتن ادعاهای بزرگ اما در مقام نظر، نتوانستند عقبه تنویریک قابل قبولی را تولید کنند. هم‌&znj; چنین در مقام عمل هرزمان که قدرت یافته‌&znj; اند، همان تجربه شکست خورده دیگران را تکرار کرده‌&znj; اند. هنوز هیچ جامعه اسلامی‌&znj; نتوانسته است میوه‌&znj; ای در خور را از درخت نظریات اندیشوران بومی‌&znj; خود بچیند و با لذت از گلو فرو برد.

[۱] . برخی از مهم‌&znj; ترین کتاب‌&znj; های وی به این شرح است.

فتنه بزرگ، عثمان ۲. فتنه بزرگ، علی و فرزندان‌&znj; ۳. پیرامون شعر جاهلی ۴. آینده فرهنگ در مصر ۵. همراه با ابی العلا در زندان ۶. فلسفه ابن خلدون ۷. اودیپ ۸. آینه اسلام ۹. شیخین ۱۰. عشق گمشده ۱۱. رنگ‌&znj; ها

[۲]. آینده فرهنگ در مصر

[۳]. فتنه بزرگ

[۴]. آئینه اسلام